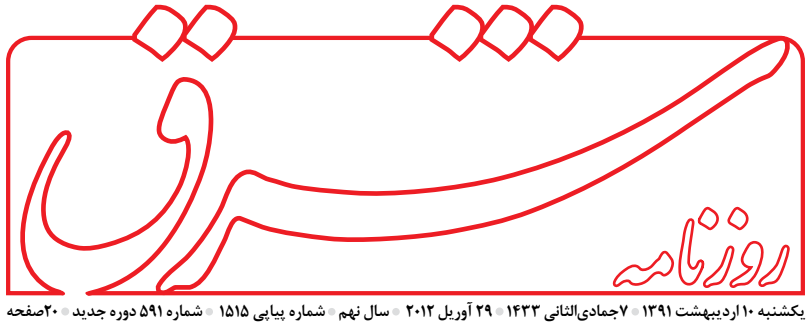




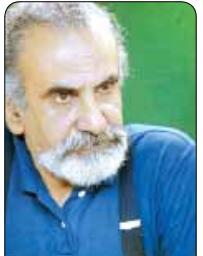
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نامبر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۰۹ اذان صبح فردا ۴:۴۰ طلوع آفتاب ۶:۱۳



یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ - جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ - ۲۹ آوریل ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۱۵ - شماره دوره جدید - ۲۰ صفحه

کتاب‌های «غلامحسین سالمی» در نمایشگاه امسال



غلامحسین سالمی، شاعر، مترجم و ویراستار با سه کتاب ترجمه و دو کتاب ویراستاری در نمایشگاه حضور می‌یابد. کتاب‌های ترجمه‌ای با عنوان‌های «برف بهاری» اثر یوکیو میشیما نویسنده ژاپنی و «گل آفتابگردان» اثر ویلیام کندی آمریکایی از نشر نگاره و کتاب «مامور ما در هاوانا» اثر گراهام گرین از کتابسرای تندیس منتشر شده‌اند. «کبرا» اثر فردریک فورسایت و «تار و گرگ» اثر هیلاری مونتکل که برنده جایزه من‌بوکر ۲۰۰۹ هم بوده آثاری هستند که در نشر کتابسرای تندیس با ویراستاری ایشان برای نخستین بار در نمایشگاه عرضه می‌شود.

دیده‌بان

عصر جبران

فریدون مجلسی



■ دیروز ۲۸ آوریل یادآور سال‌گرد یار و واقع روز قتل خیابانی موسولونی به دست نیروهای مقاومت چپ ایتالیاست. موسولینی در سال ۱۹۲۲، یعنی روزهای پراشوب پس از جنگ جهانی دوم در ۳۹ سالگی نخست‌وزیر ایتالیا شد. کشوری تاریخی که معمولاً متکی به سیاستمدارانی سرد و گرم چشیده و با تجربه و سپید موی بود، دست احساس می‌کردند خونی تازه و جوان، ایتالیا را شاداب کند. وضعیت خونین شوروی و نیروهای محافظه‌کار اروپایی را بر آن داشته بود که با به هجیان آوردن احساسات و شعارهای پوپولاریستی، با قدری چاشنی سندیکالیستی و ابراز حمایت از منافع کارگری و با کمک شعارهای ناسیونالیستی و بزرگ‌نمایی‌های عوام‌فریانه و بسیج توده‌های عامی که خود را بخشی از تلاش برای تجدید بشکوه روم باستان می‌پنداشتند، در واقع به مقابله با شوروی برخیزد، که آن روزها عملکردهای تند، رادیکال و خونین‌اش اروپا را به وحشت انداخته بود. هنگامی که ۹ سال بعد هیتلر در آلمان و چهار، پنج سال پس از آن و به کمک آنان فرانکو در اسپانیا به قدرت رسید، جهان غرب حتی حضرت قدسی مناب پاپ اعظم آنان را به اعتبار ضدیت با کمونیسم تحمل و بلکه تشویق می‌کرد. موسولینی قدرت هیتلر را نداشت، اما خود را پیشکسوت جبران می‌اناست! همزمان با آنان استالین نیز با جباریت کامل فرمانروای شوروی بود و تدریجاً اعمال و رفتار این جباران رنگ جنون به خود می‌گرفت، وقتی شعارهای باشکوه، کاربرد تخطیری خود را از دست داد، نیاز به ذری بیشتر و موثرتر بود که ماجراجویی‌های عملی یعنی جنگ باستکوی آن بود. آلمان به همسایگان و هر سرزمینی که آلمانی‌نشین بود یورش برد، ایتالیا به لیبی و مصر حمله کرد تا فتوحات کرده باشد و سرانجام اروپا را به کام آتشی بزرگ فرو بردا خودش را «عالیجناب بنیتو موسولینی» رییس دولت، دوچه فاشیسم و بنیانگذار امپراتوری نامیده پادشاه نیز از این عنوان دهان پرکن امپراتور بدش نیامده بود! عصر نظامیان بود و او نیز خود را مارشال اول ایتالیا نامید. یونفرم نظامی پوشید و در فرماندهی قوا با شاه امپرتو شریک شد. ایل دوچه ماجراجویی حسابگر بود، می‌خواست در جنگ اروپا جانب دوستش هیتلر را بگیرد، اما ترجیح می‌داد طرفدار طرف برنده باشد! انقدر صبر کرد تا هیتلر فرانسه را شکست داد و آن‌وقت در سال ۱۹۴۰ امر تکب اشتباه محاسبه بزرگ خود شد و به دول محور پیوست و قدم به جنگ جهانی دوم گذاشت. غافل از اینکه در همین سال آمریکا نیز به سود متفقان به جنگ پیوست و معادله دوچه را نامتعادل کرد! زشت‌ها و اطوار جنون آمیزش، دست به کمر زد، چانه بالا گرفت، نوا باد کردن هایش یادآور حرکات بعدی ذقانی بود، باهمه نشانه‌های بالینی دیوانگی و دیوانگان چگونگی در ربوسن عقل ملتها از عاقلان پیشی می‌گیرند! خودش را یولوس سزار می‌پنداشت، همچون ناپلئون و سزار نیز خودش را اسکندر می‌پنداشت، به قول جوانان با آنها همذات‌پنداری می‌کرد! می‌گویند به هر آسایشگاه روانی قدم بگذارید تعدادی هیتلر، ناپلئون و سزار می‌بینید! در بیرون از آنجا هم پیدا می‌شوند، منتها در سر کار! تا زمانی که فتوحات پرشکوه ادامه داشت، حتی پادشاه با او بود، خلایق و عوام که جای خود داشتند. اما امان از زمانی که آثار فتور آشکار شود. در سال ۱۹۴۳ او را هم از ریاست حزب کنار گذاشتند و هم پادشاه او را از صدارت برداشت و هم اینکه در زندان جای گرفت. آن روزها هنوز فیلم‌های هالیوودی به قهرمان بازی‌های بعدی خود نرسیده بود، که هیتلر با اعزام قوای عملیات ویژه‌اش نقش واقعی آن را بازی کرد و شاید الهام‌بخش آنان شد. او با نشاندن هواپیمای اعزامی در شب تپه مجاور زندان موسولینی او را رها کرد و در بخش‌های آزاد شده ایتالیا به قدرت بازگرداند. این بار دوچه با رنج‌دگی از پادشاه، او را از سلطنت خلع کرد و خود را رییس‌جمهوری سوسیال ایتالیا نامید. البته اکنون جز فرمانبرداری از ناجی خود هیتلر در حال شکست، چاره‌ای نداشت، روز موعود در ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ فرارسیده، من در آن زمان یک‌ساله بودم. که گرجه به یاد نمی‌آورم، اما بومدم به دست تندروترین نیروهای مقاومت اسیر شد، در خیابان محاکم‌عاش کردند و به طرزی فجیع به قتل رساندند! بار بار مانند قافای همسایه، موسولینی از عناصر مهم آشوبگری و ماجراجویی و جنگ‌افروزی آن دوران سیاه و به سهم خود مسئول قتل میلیون‌ها قربانی آن جنگ بزرگ بود، که چنین کنند مجانبین چو کاردار شوند!

کارتون‌خواپ

حسن کریم زاده

www.karimzadehstudio.com



کلوزآپ

۹۷ سالگی باز یگر نقش «عمر مختار»

«کوئین» در چند «نما»

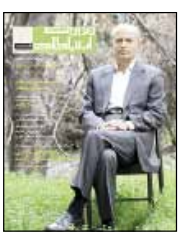


امیر حاج‌رضایی

«کازیمادو»ی گوژپشت را به «اسمرالدالدا»ی زیبا با نقش آفرینی «جینا لولو بریچیدا» تقدیم کرد. اشک‌های انسانی او چهره کریه‌اش را از آن خود کرد. اشک‌هایی که از پرده سینما بیرون آمد و بر صورت تماشاگران نشست. او در ترسیم سیمای یک انسان دوست‌داشتنی در پشت چهرهای مسخ‌شده و مشمژکننده هنرمندی یگانه بود. «آنتونی کوئین» سرخ‌پوست دور‌گه‌ای بود که با سیمایی خشن که به زشتی پهلوی می‌زد در دهه‌های میانی و انتهای قرن گذشته نقش آفرینی کرد و در ژانرهای مختلف استعداد ناب و درخشان خود را بروز داد. او برنده دو جایزه اسکار نقش مکمل شد. هرگز هنرنمایی او در فیلم‌های «زنده‌باد زاپاتا»، «کش‌های ماهیگیر»، «فرمان گمشده»، «توپ‌های سن‌باسیتین» و «توپ‌های نلوارون» فراموش‌شدنی نیست. «کوئین» به هنگام مرگش از آخرین ازدواجش دختری سه‌ساله داشت. او هم مثل «زوربا» شیفته زندگی بود و مرگ را باور نداشت. «آنتونی کوئین» را حالا در فیلم‌هایش باز می‌یابیم. مردی که سینما دوستان به او مدیونند. «عمر مختار»ی که رسالتش را با انتقال عینکش به نوجوانی در پایان فیلم «عمر مختار» ساخته «مصطفی‌العقاد» به درستی انجام داد.

دکه

«مدیریت ارتباطات» اردیبهشت‌ماه آمد



و پژوهشگر، تیترو و عکس یک این شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات را به خود اختصاص داده‌است. در بیست‌وپنجمین شماره ماهنامه مدیریت ارتباطات پرورنده‌هایی در زمینه رسانه، تئاتر، جامعه اطلاعاتی و کتاب منتشر شده است. این ماهنامه از طریق پیشخوان مطبوعات، یا سایت www.prshop.ir قابل تهیه است.

صندوق پستی

«دهخدا» و «بهار» به روایت «محمد معین»

شرق: شنبه دوم اردیبهشت، به بهانه شصتمین سال درگذشت «محمدتقی بهار» یادداشتی از «محمد هاشم اکبریانی» با عنوان «شاعری که شعرش زنده نماند» در همین صفحه منتشر شد که نظرگاه اکبریانی پیرامون ملک‌الشعرای بهار، موافقت و مخالفت بسیاری از اهل فن و مخاطبان روزنامه «شرق» را در برداشت. شاید



جنگالی‌ترین فراز نوشته اکبریانی همان ورودی مطلب او بود که بی‌رودریاستی و سراسر نوشته بود «شعر ملک‌الشعرا بهار امروزه مخاطبی ندارد و کمتر کسی سراغ شعر او می‌رود. حتی اهل ادبیات و کسانی که به شکلی حرفه‌ای در پی شعر و شاعری هستند چندان رغبتی به خواندن شعرهای بهار ندارند. شاعرانی چون ملک‌الشعرا

بهار با شعرشان زنده نمانده‌اند؛ درست برخلاف شاعرانی چون حافظ، مولوی، خیام و سعدی. پس اهمیت این شاعر در چیست که بعد از گذشت ۶۰ سال از مرگش بارش بزرگداشت می‌گیرند؟...

به هر رو پس از انتشار یادداشت یاد شده، چندین جوابیه به روزنامه «شرق» رسید که صفحه آخر دو نمونه از این جوابیه‌ها را در دو نوبت منتشر کرد که با توجه به اطناب بحث دیگر قصدی مبنی بر اطاله موضوع نداشتیم. اما روز گذشته دکتر «مهدخت معین» دختر شادروان دکتر «محمد معین» در تماسی با روزنامه یادداشتی را به قلم دکتر محمد معین درباره

جامعه‌شناسی خودمانی

«وبر» جامعه‌شناس مدرن



تقی آر ادمرکی

مجدد کنند و ساحت جامعه‌شناسی در ایران را غیرسیاسی و غیرایدئولوژیک سازند. ماکس وبر در سرتاسر کتاب‌هایش سعی کرده است تا برای ساماندهی جامعه‌شناسی به دو اصل عمده وفادار بماند: (۱) تمایز جامعه‌شناسی با اثبات‌گرایی- (۲) تمایز جامعه‌شناسی با تکامل‌گرایی. علت آغازینی که وبر را به تمایزبخشی این دو فضا با جامعه‌شناسی واداشته است، ریشه در اختلاط مفهومی و اندیشه‌ای زمانه‌اش دارد زیرا آن دو اصل و جهت‌گیری که در بسیاری از متون فکری و فلسفی و اجتماعی ما به دیده شده بود منشأ ارایه تصویری معشوش و فلسفه‌گراییه و تکامل‌گرایانه از جامعه‌شناسی شده بود و همه کسانی که در زمانه او به گونه‌ای سخن از گذشته و آینده با رویکرد تکاملی و بهره‌گیری از روش‌های تجربی می‌گفتند، جامعه‌شناس قلمداد می‌شدند. ماکس وبر مدعی است به طور معرفتی جدید به نام جامعه‌شناسی توجه دارد که در طور بیندای متمایز و جداشده از فلسفه اثبات‌گرایی و تکامل‌گرایی است. چرا این دو تمایز برای ماکس وبر مهم است و برای دیگرانی چون سنن سیمون و کنت و حتی دورکیم با مهم نیست یا کمتر مهم است؟ زیرا وبر هم در موقعیتی بعد از نقش آفرینی فلسفه اجتماعی اثباتی وارد عرصه نظری شده و انتقاد ضعیف و قوت اثبات‌گرایی فلسفی و اجتماعی و روشی آگاهی دارد و او هم اینکه هدف اثبات‌گرایی را توضیح حیات اجتماعی براساس مجموعه‌ای از مفروضات ممکن می‌داند. به عبارت دیگر تبعیت از اثبات‌گرایی به منزله ناتوانی در فهم واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است. وبر جامعه‌شناسی را علم کنش‌ها و نظام کنش و پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی می‌داند که ساحت‌های فرهنگی و دینی دارد. از طرف دیگر او اصرار دارد تا از تکامل‌گرایی به هر معنی آن دور شده و به دفاع از معرفتی اقدام کند که مفروض بر مجموعه‌ای از قوانین و قواعد متقن نیست. علم مورد نظر او می‌تواند به قانون هم برسد ولی نمی‌تواند در جهت توضیح مجموعه‌ای از قوانین ثابت عام و جهانی و فراگیر باشد. نگاه تکاملی در علم و دانش بشری درست یا غلط با بیان مجموعه‌ای از قوانین به جهان و جامعه‌ای توجه دارد که یک سسو و جهت واحد بیش ندارد. در حالی که جامعه‌شناسی ویری رسالتی عالمانه در فهم کنشگر و نظام کنشی در موقعیت‌های متعدد اجتماعی است که هر یک به دلیل شرایط و موقعیت‌های پیرامونی و نوع تعاملات بین کنشگران موقعیت و وضعیتی خاص دارد. علم ویری علم غیرتکاملی و غیرقانون‌گرایانه و غیرایدئولوژیک و غیرسیاسی است. برای اثبات این دو ادعای است که وبر بر سر می‌گذارد و وارد شده در حوزه آکادمی فریاد می‌کشد که دانشگاه و آکادمی محل فعالیت حزبی نیست همان‌طور که سیاست نیز کسب و کار نیست و نیازمند به سیاستمدار حرفه‌ای دارد.

نگاه

کدام تشویش اذهان عمومی



فرید مرادی

■ روز یکشنبه ۱۳۹۱/۱/۲۰ در شبیکه سه سیمای در برنامه گفت‌وگو، پس از خبر ساعت ۲۲ با وزیر محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در باب مسایل فرهنگی گفت‌وگویی انجام گرفت، در این برنامه وزیر محترم به نکات مختلفی پرداختند که اشاره ایشان در مورد تعطیلی سینماها و کتابفروشی‌ها و تغییر کاربری آنها قابل تأمل بود. با اقبال گرایش مردم به فیلم‌دیدن و کتاب خریدن و افزایش غیرقابل پیش‌بینی هزینه‌های تولید فیلم و کتاب (یک قلم آن رشد روزبه‌روز قیمت کاغذ از اواخر سال پیش تا همین امروز، طبیعتاً در سبد خرید خانوارها امور فرهنگی به حداقل توجه می‌رسند. حالا پرسش این است که راهکار خروج از این بحران چیست، آیا باید اجازه دهیم تا سینمای ملی ما به تعطیلی و ورشکستگی کشیده شود یا کتابفروشی‌هایی که بخشی از شناسنامه فرهنگی شهرهای ما را تشکیل می‌دهند تبدیل به بانک، رستوران، فست‌فود، تعمیرات و خدمات تلفن همسره یا قطعات رایانه‌ای شوند.

طبیعی است که دولت در این میان رسالتی بر دوش دارد و باید دست به تمهیداتی برای حل این مشکلات بزند، اما هدف من از این یادداشت یادآوری مسوولیت‌های دولت و ملت نیست، بلکه اشاره به موردی است که مدتی دغدغه ذهن اهالی فکر و فرهنگ شده است. در اواخر سال ۹۰ سه تا از برسیافته‌ترین، خوش‌نام‌ترین و بهترین ناشران کشور دچار تعلیق فعالیت شدند، اینکه دلایل این محرومیت چیست، برای بسیاری در پرده‌ای از ابهام مانده، حتی مدیران موسسات مذکور نیز پاسخ روشنی برای این محرومیت نگرفته‌اند، اما آنچه از افواه برمی‌آید و ذهن به ذهن می‌چرخد، تقویت این ظن است که دوتا از این ناشران در سال پیش در نقشی نه رسمی نسبت به تعطیلی کتابفروشی‌ها اظهار نگرانی کرده‌اند و البته در همان زمان نیز معاونت محترم فرهنگی نسبت به این سخن‌نان واکنش نشان داده و آنها را به تشویش اذهان عمومی متهم و به پیگیری قضایی احاله داده‌اند. حال اگر در واقع علت پلانکلفی این دو ناشر که خدمات آنها به حوزه فرهنگ بر کسی پوشیده نیست، همین مورد است، که همسین در گفت‌وگوی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تأیید قرار گرفته و ایشان به‌رحمتی به اقتصادی نبیون فعالیت کتسایفروشی اشاره کرده و تعطیل شدن برخی کتابفروشی‌ها را اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند، آیا چنین اظهارنظری تشویش اذهان عمومی است یا انگشت نهان بر معضلی که خوانان‌خواه چهره می‌نماید، بهتر نیست که در آستانه آغاز به کار نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که محل گردهمایی اهالی فکر و فرهنگ است، تعلیق دو ناشر یاد شده نیز لغو شده و اجازه دهیم فضای تعامل و اعتلای فرهنگی پویانتر شود، البته باید این را هم در نظر گرفت که گاه اظهارنظری در یک نشست غیررسمی که چندان هم متکی بر اسناد و مدارک نیست، در نقل آن می‌تواند دچار دگرگویی و تغییر و در نهایت تبدیل به سخنی غیر از سخن گوییده شود، آرزو داریم که مسوولان فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با درایت و واقع‌بینی در حل این مشکل گام بردارند و اسباب آرامش و شادی خاطر اهالی فرهنگ را مهیا سازند. ضمن اینکه خوشبختانه به درایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امکان حضور این ناشران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران فراهم شده و امید که همین مقدمه‌ای برای حل کامل مشکل نیز شود.

پرش از اخبار

دو کاریکاتوریست ایرانی در جشنواره «ورد پرس کارتون» تقدیر شدند

■ ایلنا: جشنواره ورد پرس کارتون پرتغال که از بزرگ‌ترین مسابقات کاریکاتور جهان است، دو کاریکاتوریست ایرانی را به عنوان برگزیده اعلام کرد. این جشنواره در سه بخش کارتون مطبوعاتی، کاریکاتور چهره و کارتون طنز برگزار شد که «شهرام رضایی» در بخش کارتون مطبوعاتی و «فیروزه مظفری» در بخش کاریکاتور به عنوان تقدیرشدگان این جشنواره هنری اعلام شدند.

توضیح

ستون بی تعارف این هفته منتشر نمی‌شود.

